

رجایی در گفتگو با مهر: غفلت نخبگان از شتاب تحولات عصر فراصنعت/ علوم شناختی را احیا کنیم

یک مدرس حوزه و دانشگاه با بیان اینکه شتاب تحولات در دوره معاصر، مجال ارزیابی را از جامعه نخبگانی گرفته است، بر شناخت و تحلیل درست عصر حاضر یعنی «عصر فراصنعت» تأکید کرد.

به گزارش خبرنگار مهر، برخی اندیشمندان، عصری که ما در آن زندگی می‌کنیم را با عناوینی چون عصر اطلاعات یا عصر فراتکنیک معرفی می‌کنند. شناخت ویژگی‌های این عصر و درکی کلان از مختصات این عصر برای مواجهه با مسائلی که زیستن در چنین عصری ایجاب می‌کند، امری ضروری است.

حجت الاسلام حمید رجایی، دانش‌آموخته سطوح عالی حوزه و کارشناس ارشد ارتباطات و مدرس حوزه و دانشگاه در گفتگو با خبرنگار مهر با بیان اینکه پرسش از اینکه مهم‌ترین مسأله عصر ما چیست، پرسشی است که در کشورهای توسعه نیافته، کمتر مطرح می‌شود، گفت: سرگرم شدن به مسایل جزئی‌تر و داده‌های پراکنده ریزوماتیک، ما را دچار اشتباهات راهبردی سهمگین می‌کند و باعث می‌شود از کلیت جهان جدید بی‌خبر بمانیم.

وی افزود: شوربختانه به عکس آنچه ما در مغرب زمین شاهدیم، در بسیاری از کشورهای اسلامی، اندیشه‌های مربوط به تحلیل «عصر و زمان» و برساختن تئوری‌هایی که بتواند شرایط زمان را تبیین کند و برای آن راهکارهای راهبردی بجوید، کمیاب یا مهجور است. در مغرب زمین، به جز فیلسوفان بزرگ، اندیشمندانی امثال ساموئل هانتینگتون، مک لوهان، تافلر، نیل پستمن و ژان کازنو و دیگران، در این باب بسیار اندیشیده و گفته و نوشته‌اند.

وی با بیان اینکه این سنخ تفکرات جامعه شناختی عمیق و همچنین نظریه پردازی‌های آینده پژوهانه بسیار بسیار ضروری است، گفت: به نظر من دو مسئله بسیار کلان در برابر جهان بشریت قرار دارد: یکی مسئله شناخت و تحلیل درست عصر حاضر یعنی «عصر فراصنعت» و دیگری «فرجام تمدن بشری» که به تحلیل اندیشه‌های آخرالزمانی و بحث منجی، می‌پردازد. به نظر من تمام مسائل دیگر در ذیل این دو مقوله کلی است.

دو مسئله بسیار کلان در برابر جهان بشریت قرار دارد: یکی مسئله شناخت و تحلیل درست عصر حاضر یعنی «عصر فراصنعت» و دیگری «فرجام تمدن بشری» که به تحلیل اندیشه‌های آخرالزمانی و بحث منجی، می‌پردازد

این استاد حوزه و دانشگاه در ادامه گفت: ممکن است یک نفر دغدغه های اقتصادی حاکم بر جهان را خیلی مهم بداند یا به عنصر فرهنگی اهمیت بدهد و بر مولفه های فرهنگی و اجتماعی پای بفشارد. اما به نظر من، شناخت درست چستی «عصر فراصنعت» و بحث مهدویت دربردارنده همه این هاست.

وی درباره ویژگی های عصر فراصنعت گفت: اعصار پیشین، مانند «عصرکشاورزی»، «عصر مکانیک» و «دوره اتوماسیون»، ادوار آشنایی هستند. برخی مولفه های این ادوار، بارها و بارها مورد کنکاش اندیشمندان و جامعه شناسان قرار گرفته است. اما در «عصر فراصنعت» ما با یک «جهش» بسیار عظیم مواجه شده ایم. شاید شنیده باشد که می گویند برخی صداها را نمی شنویم چون بسیار بلند و عظیم اند؛ ما بدون «گوش مسلح» قادر به شنیدن آن صداها نیستیم. عصر فراصنعت هم همین طور است و بدون یک «هوش مسلح» آن را نمی توان درک کرد.

وی افزود: در عصر مکانیک، انسان توانست با به کارگیری ماشین آلات و ابزارهای صنعتی، زندگی خود را تسهیل و تسریع کند. تولید کالا و خدمات نیز در این دوره، فراوان تر، سهل تر و استانداردتر شد و البته تاثیرات زیادی بر جوامع گذاشت. مثلاً مردم در این دوره اتومبیل و قطار داشتند و مسافرت آسان و فراوان و سریع شد و ارتباطات انسان با جهان گسترده شد. پیش تر صنعت چاپ توانسته بود جهان بین الازدهانی انسان ها را متصل و منبسط کند و با توسعه ابزارهای مکانیکی و صنعتی، شرایط طوری شد که قوای ظاهری انسان ها گسترش پیدا کند. مثلاً قطار امتداد پای انسان شد و جرثقیل ها، خط تولیدها، تراکتورها و... امتداد عضلات و سخت کوشی های بدنی و امثال آن شد و این دوات توانست توانایی های جسمی انسان را گسترش دهد. در واقع در عصر مکانیک، عضلات انسان توانسته بود توسط ماشین های با «انرژی فسیلی یا برقی» تاحدی مهارپذیر گسترش پیدا کند، اما بیگ بنگ زمانی اتفاق افتاد که «دانش الکترونیک» ظهور و گسترش پیدا کرد.

این استاد دانشگاه اظهار داشت: الکترونیک، یک جهش بسیار بزرگ در جهان انسان به وجود آورد. کم کم صنایع بشری با مدارهای نیمه دیجیتالی یا تماماً دیجیتال مجهز شدند و عناصری چون: سرعت، انبساط انسان، انقباض چشم گیر جهان پیرامون، تغییر در ارتباطات و مناسبات انسان با انسان و انسان با طبیعت به وجود آمد. نکته مهم در این تغییرات سرعت و گستردگی آن بود که فراتر از انتظار بشر بود و آن گونه انسان ها را درنوردید که حتی نخبگان و اندیشمندان به جای پرداختن به آن، خود، کاملاً غافلگیر شدند.

وی در ادامه گفت: این خیلی جالب است که شخصیتی چون «تافلر» که در بهترین جوامع علمی زمان خود سخن گفته است، خیلی گله می کند که آنچه من می گویم را دیگر دانشمندان می گویند و اما وقتی به حرف هایشان گوش می کنم، می بینم عمق فاجعه را درک نکرده اند! به نظر من عمق فاجعه در واقع خود «تکنولوژی دیجیتال» نیست، بلکه نگرانی عمده دو منشأ دارد؛ یکی «تحولات ژرف و پرشتاب» و دیگر «بی توجهی و غفلت نخبگان جامعه از تحلیل و چاره جویی آن».

این کارشناس ارتباطات با بیان اینکه عنصر دیجیتال به طور فزاینده در عصر فراصنعت ایفای

نقش می‌کند، گفت: در عصر دیجیتال، مغز انسان توانست خود را در قالب مدارهای پیچیده الکترونیکی گسترش دهد. مدارهای الکترونیکی توانست، شتاب، تغییر، توان ذخیره و پردازش اطلاعات و از همه مهم تر رباط های نرم افزاری (مانند سیستم های عامل) و ربات های سخت را در اختیار انسان بگذارد و لذا موجب جهشی شد که هنوز دارد انسان ها را منجنیق وار، به جلو پرتاب می کند! این ربات ها با توان و دقت بسیار بالا می توانند، بسیاری از کارهای انسان را بهتر انجام دهند. اگر در عصر صنعت بدن ما گسترش یافت، در عصر دیجیتال این مغز ما است که خود را توسط شبیه ترین پدیده دیگر به خود، یعنی مدارهای الکترونیک و شاید بعدها بیوتکنولوژی در ابعاد میکرو و نانو گسترش می دهد.

اگر در عصر صنعت بدن ما گسترش یافت، در عصر دیجیتال این مغز ما است که خود را توسط شبیه ترین پدیده دیگر به خود، یعنی مدارهای الکترونیک و شاید بعدها بیوتکنولوژی در ابعاد میکرو و نانو گسترش می دهد

رجایی اظهار داشت: به عنوان مثال، انفجار اطلاعات، توانست تمام بدنه منابع و علمی و خبری را در اختیار انسان ها قرار دهد. اما حجم و توان پردازش آن از سوی بنگاه های تولید اطلاعات علمی و خبری، می تواند هم مخاطبان را سردرگم کند و هم ارباب رسانه را چنان قدرتی بخشد که بتوانند علم و آگاهی های خبری را مدیریت و دروازیانی کنند. امروزه توانشی به نام «مهندسی علم» داریم که می تواند بد یا خوب به کارگرفته شود. طرف دیگر مسئله، شتاب و سرعتی که است تکنولوژی دیجیتال به تحولات پیرامونی داده است و واقعا جوامع بشری را با «بحران تحول» مواجه کرده است.

وی گفت: بحران تحول وضعیتی است که تحولات چنان بر روی هم خراب می‌شوند که مجال ارزیابی را از جامعه نخبگانی می‌گیرند. چرا که اولاً در حوزه ذهنی و آگاهی، قدرت پردازش مغز در یک بازه زمانی محدود است و اگر سرعت تحولات پیرامونی از این توانش محاسباتی و انطباقی انسان بیشتر شود ما در درک جهانی که خودمان که در حال تولید آن هستیم درمی مانیم! این شتاب و تحول، گویی مانند عنصر مستقلی بر ما حکم میراند. مثلاً شما ببینید از جایی که تکنولوژی دارد در جامعه تاثیرات مستقل می‌گذارد نخبگان جوامع آلارم هایی را به صدا درمی آورند. بخش بزرگی از هنر و خصوصاً سینما، در دوره پست مدرن، کشیدن یک آثر ممتد گذشته است. چه از عصر صنعت چارلی چاپلین، و به عنوان نمونه آثار جیمز کامرون در مجموعه فیلم های «ترمیناتور» و ده ها فیلم دیگر که کاملاً این مسئله را به چالش می کشد و دنیایی را به تصویر می کند که ماشین کاملاً بر انسان مستولی شده است. این کار هنرمند است که مسئله را بزرگ کند تا دیده شود (Exaggeration) ولی به نظر من مسئله به خودی خود مهم و اساسی است.

بحران تحول وضعیتی است که تحولات چنان بر روی هم خراب می‌شوند که مجال ارزیابی را از جامعه نخبگانی می‌گیرند

حجت الاسلام رجایی در ادامه گفت: از سوی دیگر خود تحولات زندگی و شرایط کار و زندگی، چنان شتابناک و خود در حال تغییر است که بخش بزرگی از توان عصبی و ادراکی و روانی ما

صَرَف «انطباق با محیط» می شود و شوربختانه حاشیه زندگی را متورم و متن زندگی را نزار و نحیف می نماید. در شتاب تحولات نسل ها دچار شکاف می شوند چون توان انطباق پذیری آن ها در «ماراتن تحولات» کفایت نمی کند. مثلاً آیا تا کنون با خود اندیشیده اید که چرا ریش سفیدها دیگر نمی توانند برای نسل جوان کارگشایی کنند و در مشکلاتی که برای نسل بعدی پیش می آید ریش سفیدی کنند؟ چون نسل بعد، در ابعاد دیگری با راحتی و سختی مواجه است. ماهیت زندگی او تفاوت هایی دارد، به طوری که نسل پیشین از درک صورت مسئله ناتوان می شود. امروزه نسل حاضر حتی نمی توانند برای نسل قبل توضیح دهند که چرا نمی توانند به راحتی با فامیل و نسل پیش صله رحم داشته باشند. زندگی ها دارد به سرعت به یک زندگی های مینیمال و آپارتمانی تبدیل می شود. سرعت و شتاب و نیاز به تخصص، برای حضور در زندگی پیچیده امروز، خانواده ها را از همین گسیخته است. پدر و مادران، فرزندان خود را در تقریباً از دوره دانشجویی از دست می دهند! و دیگر به درستی آنها را نمی بینند!

حمید رجایی اظهار داشت: وسایل زندگی به سرعت از دور خارج می شود زیرا زمان بر مصنوعات بشر با سرعت بیشتری می گذرد. مثلاً شما سری به عتیقه فروشی ها بزنید. می بینید کالاهایی که مربوط به پانزده سال پیش است، به عنوان عتیقه به فروش می رسد! و کاملاً حس نوستالژی را در مشتریان برمی انگیزد! این یک نشانه است. این ها یعنی شتاب تحول که می تواند به بحران تبدیل شود این یعنی نسل ها در تعامل با دنیای پیرامون، باید سرعت انطباق زیادی پیدا کنند و معلوم نیست این اتفاق بیافتد. شما نمی توانید به راحتی مقامت کنید چون ابزار قبلی دیگر کار شما راه نمی اندازند. مسئله کالاهای یک بار مصرف در «عصر فراصنعت» خودش دارد به یک سبک زندگی تبدیل می شود.

وی در پایان گفت: متأسفانه فضای تفکر و اندیشه در کشور ما معطوف به بررسی های موشکافانه علمی نیست. به عبارت دیگر بررسی های عناصر عصر جدید زیرساخت های خود را می طلبد. از جمله باید در ایران ما علوم شناختی یا Cognitive science را به سرعت احیا کنیم، زیرا مطالعه انسان و چاره جویی برای او نیازمند این زیرساخت ها هم هست. ناگفته نماند که ما در دانش سبک زندگی از منابع و حیانی نیز برخورداریم که می تواند بک نقطه درخشان در پویایی تمدن ما باشد اما خب زیرساخت های علمی هم لازم است.